

گریستان تاریخ

وقتی کرکسان فاجعه – گلوی انسان را می نوشند
و خورشید بی شرمانه – استخوان مرده گان را می سوزد
وقتی پستان های دختره کان را
در جنون شهوت و شلاق
می خورند ...
تاریخ از گریستان باز میماند

از: الف. س. الیم

هر چراغی میتواند بمیرد

گرسنه دعا گوید:
"خدایا لقمه نان ام ده"
ملاءک در سرود خوانند
"زمین مال خداست!"
دهقانی در آروزوی لقمه نان
زنده گی را وداع میگوید

"خط دیموکراسی"

بیان میدارد:

"هر کس حق مردن دارد*

و هر چراغی میتواند بمیرد **"

شعر از: الف. س. الیم

:از استاد سخن* پرتونادری

کناهکاران انسانیت

گناهکاران بر همه

این مستان شراب ذلت

با - رقص شرم

با - دهل بیگانه ها

خط آزادی را

از پیشانی زخمی زمین

با خون می شویند

این دستان قدرت

در استخوان شهیدان

شراب می ریزند

و ثواب را در پس خانه های نفرت

اعدام می کنند

اما روزی
دیوار های شب

به روی این فتنه های قدرت
این اندام های نفرت
فرو خواهند ریخت
و پیشانی زخمی زمین
با بوسه آزادی
التيام خواهد یافت
از: الف. س. الیم